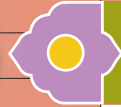




الدَّرْسُ السَّادِسُ



مَدْرَسَةُ الْقَرْيَةِ مدرسه روستا

ميلاد عیوضی سرگروه عربی اردبیل



برای ورود به هر یک از کانال ها روی کادر آن کلیک نمایید



Arabi_eyvazi



کانال «عربی متوسطه عیوضی» در روبیکا



Arabi_eyvazi



کانال «عربی متوسطه عیوضی» در تلگرام



Arabi_eyvazi



کانال مخصوص دبیران عربی در ایتا



الدَّرْسُ السَّادِسُ

الْمُعْجَم: (۱۹ کلمه جدید)

شیشهٔ عطر	زُجَاجَةٌ عِطْرُ	دریافت می کند دریافت کرد (مضارع: يَسْتَلِمُ)	اِسْتَلَمَ	فعل ماضی
روزه	صَوْم	یاد گرفت (مضارع: يَتَعَلَّمُ) یاد می گیرد	تَعَلَّمَ	فعل ماضی
عطر زد (مضارع: يُعَطِّرُ) عطر می زند	عَطَّرَ	جشن عروسی	حَفَلَهُ زَوَاج	
تغییر داد (مضارع: يُغَيِّرُ) تغییر می دهد	غَيَّرَ	«حَفَلَهُ مِيلَاد: جشن تولد» حفلة: جشن		
سرزنش کرد (مضارع: يَلُمُّ) ملامت می کند	لَامَ	دور کرد، دفع کرد، پرداخت (مضارع: يَدْفَعُ / مصدر: دَفْع)	دَفَعَ	فعل ماضی
نمونه	مِثَالِي	مردود	رَاسِب	
شلوغ	مُزْدَحِم	بستری	رَاقِد	
پرونده	مِلَفْ	بو	رَاحَةَ	
خواهید (مضارع: يَنَامُ) / می خوابد	نَامَ	مردود می شود مردود شد (مضارع: يَرْسِبُ)	رَسَبَ	فعل ماضی
مترادف: رَقَدَ) نام = رَقَدَ			نَجَحَ: موفق شد	
فَعَال، بانشاط	نَشِيط	رحمت	رَوْح	

Arabi_eyvazi



تغییر زندگی
تَغْيِيرُ الْحَيَاةِ

إِبْتَدَأَ الْعَامُ الدَّرَاسِيَّ الْجَدِيدَ وَ ذَهَبَ تَلَامِيذُ الْقَرْيَةِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ. كَانَتْ الْقَرْيَةُ صَغِيرَةً
سال تحصیلی نو آغاز شد و دانش آموزان روستا به مدرسه رفتند. مدرسه کوچک و زیبا بود
وَ جَمِيلَةً. دَخَلَتْ الْمَدْرَسَةَ فِي الصَّفِّ الرَّابِعِ. كَانَ الصَّفُّ مُزْدَحِمًا. قَالَتْ الْمَدْرَسَةُ
خانم معلم وارد کلاس چهارم شد. کلاس شلوغ بود. خانم معلم به پسرها گفت

لِلْبَنِينَ: «اجْلِسُوا عَلَى الْيَمِينِ.» وَ قَالَتْ لِلْبَنَاتِ: «اجْلِسْنَ عَلَى الْيَسَارِ.»
سمت راست بنشینید و به دخترها گفت: سمت چپ بنشینید

هِيَ شَاهَدَتْ تَلْمِيذَةً رَاسِيَةً بِاسْمِ «سَارَةَ». رَسَبَتْ «سَارَةُ» عِنْدَهَا فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ;
او دانش آموز مردودی به نام ساره را دید. ساره در سال های گذشته نزدش مردود شده بود
فَحَزِنَتْ وَ ذَهَبَتْ لِمُشَاهَدَةِ مَلَفِهَا لِإِطْلَاعِ عَلَى مَاضِيهَا.
پس ناراحت شد و برای دیدن پرونده هایش و برای اطلاع یافتن از گذشته اش رفت

فِي مَلَفِ السَّنَةِ الْأُولَى: هِيَ تَلْمِيذَةٌ جَيِّدَةٌ جِدًّا. تَكْتُبُ وَاجِبَاتِهَا جَيِّدًا. هِيَ
در پرونده سال اول: او دانش آموز خیلی خوبی است
نَشِيطَةٌ وَ ذَكِيَّةٌ.
او فعال و باهوش است

وَ فِي مَلَفِ السَّنَةِ الثَّانِيَةِ: هِيَ تَلْمِيذَةٌ جَيِّدَةٌ جِدًّا. لَكِنَّهَا حَزِينَةٌ. أُمُّهَا رَاقِدَةٌ فِي الْمُسْتَشْفَى.
در پرونده سال دوم: او دانش آموز بسیار خوبی است. ولی غمگین است مادرش در بیمارستان بستری است

وَ فِي مَلَفِ السَّنَةِ الثَّالِثَةِ: هِيَ فَقَدَتْ وَالِدَتَهَا فِي هَذِهِ السَّنَةِ. هِيَ حَزِينَةٌ جِدًّا.
و در پرونده سال سوم: او در این سال مادرش را از دست داد. او خیلی غمگین است

وَ فِي مَلَفِ السَّنَةِ الرَّابِعَةِ: هِيَ تَرَكَّتْ الدِّرَاسَةَ وَ لَا تُحِبُّ الْمَدْرَسَةَ وَ تَتَأَمَّلُ فِي الصَّفِّ.
و در پرونده سال چهارم: او درس خواندن را ترک کرد و دوست ندارد مدرسه را و در کلاس می خوابد

الْمَدْرَسَةُ لَامَتْ نَفْسَهَا وَ غَيَّرَتْ طَرِيقَةَ تَدْرِيسِهَا.
معلم خودش را ملامت کرد (سرزنش کرد) و روش تدریسش را تغییر داد

بَعْدَ مُدَّةٍ فِي حَفْلَةِ مِيلَادِ الْمَدْرَسَةِ جَلَبَ التَّلَامِيذُ هَدَايَا لَهَا وَ جَلَبَتْ سَارَةُ لِمَدْرَسَتِهَا هَدِيَّةً
بعد از مدتی در جشن تولد معلم، دانش آموزان هدیه هایی برایش آوردند و سارا برای معلمش هدیه ای
فِي وَرَقَةٍ صَحِيفَةٍ. كَانَتْ الْهَدِيَّةُ زُجَاجَةً
در کاغذ روزنامه ای آورد. هدیه، شیشه عطر مادرش بود

عَطَرَ أُمُّهَا، فِيهَا قَلِيلٌ مِنَ الْعَطْرِ، فَضَحِكَ
که در آن کمی از عطر بود، پس دانش آموزان خندیدند

فَقَالَتْ الْمَدْرَسَةُ لِلْبَنِينَ: «لَا تَضْحَكُوا»
پس معلم به پسرها گفت: نخندید

وَ قَالَتْ لِلْبَنَاتِ: «لَا تَضْحَكْنَ»
و به دخترها گفت: نخندید

الْمَدْرَسَةُ عَطَرَتْ نَفْسَهَا بِذَلِكَ الْعَطْرِ.
معلم از آن عطر به خودش عطر زد



جاءت سارة عند مدرّستها و قالت:

سارة نزد معلمش آمد و گفت:

«رائحتك مثل رائحة أمي.»

بوی تو مانند بوی مادرم است

شجعت المدرّسة سارة؛ فصارت تلميذة مثالية و بعد سنوات؛ استلمت المدرّسة

خانم معلم ساره را تشویق کرد و او دانش آموزی نمونه شد. و پس از چند سال؛ دریافت کرد معلم

رسالة من سارة مكتوباً فيها:

نامه ای از ساره که در آن نوشته شده بود:

«أنت أفضل معلّمة شاهدتها في حياتي. أنت غيرت مصيري. أنا الآن طيبة.»

تو بهترین معلمی هستی که در زندگی ام دیدم، تو پسر نوشتنم را تغییر دادی. من حالا بزرگ هستم.

و بعد مدة، استلمت المدرّسة رسالة أخرى من الطيبة سارة؛ طلبت منها الحضور

و پس از مدتی، خانم معلم نامه ای دیگر را از خانم دکتر ساره دریافت کرد که در آن از او حضور

في حفلة زواجها و الجلوس في مكان أم العروس.

در جشن مراسم ازدواجش و نشستن در جایگاه مادر عروس را خواسته بود

عندما حضرت مدرّستها في حفلة زواجها؛ قالت لها سارة:

هنگامی که خانم معلم در جشن عروسیاش حاضر شد؛ ساره به او گفت

«شكراً جزيلاً يا سيّدي؛ أنت غيرت حياتي.»

خیلی ممنونم ای خانم! تو زندگی ام را تغییر دادی

فقالت لها المدرّسة:

پس خانم معلم به او گفت:

«لا؛ يا بنتي، أنت غيرت حياتي؛ فعرفت كيف أدرس.»

نه ای دخترم؛ تو زندگی ام را تغییر دادی؛ پس دانستم که چگونه درس بدهم

با توجه به متن درس، پاسخ درست را انتخاب کنید.

- | | | |
|--------------------------------|-------------------------------|---|
| سمت چپ | سمت راست | ۱. أين جَلَسَتِ الْبَنَاتُ؟
دختران کجا نشستند؟ |
| ● على اليسار
برای مادر ساره | ● على اليمين
برای پدر ساره | ۲. لِمَنْ كَانَتْ زُجَاجَةُ الْعِطْرِ؟
شیشه عطر مال چه کسی بود؟ |
| ● لوالدة سارة
در کلاس ششم | ● لوالد سارة
در کلاس چهارم | ۳. في أي صَف كَانَتْ سارة راسِبةً؟
ساره در کدام کلاس مردود شده بود؟ |
| ● في السادسة
شیشه عطر | ● في الرابع
روزنامه دیواری | ۴. ماذا كَانَتْ هَدِيَّةُ سارة لِمُدْرَستِها؟
هدیه ساره به معلمش چه بود؟ |
| ● زُجَاجَةُ عِطْرِ
نه | ● صحيفة جِدَارِيَّة
بله | ۵. أ كَانَتْ الْهَدَايا بِمُنَاسَبَةِ حَفَلَةِ الْمِيلادِ؟
هدیه ها به مناسبت جشن تولد بود؟ |
| ● لا | ● نَعَم | |



به اول فعل مضارع لا اضافه می کنیم

آخر فعل مضارع را ساکن می کنیم و یا اگر ن داشته باشد حذفش می کنیم (بجز ن جمع مونث که حذف نمی شود)

مثال 1: تَذْهَبُ «می روی» لا تَذْهَبُ «نرو» مثال 2: تَذْهَبَانِ «می روید» لا تَذْهَبَانِ «نروید»

فِعْلُ النَّهْيِ (۲)

ای پسران انجام ندهید ای دختران انجام ندهید
فِعْلُ النَّهْيِ (۲) ← (یا أَوْلَادُ، لا تَفْعَلُوا)، (یا بَنَاتُ، لا تَفْعَلْنَ)
(یا وَلَدَانِ، لا تَفْعَلَا)، (یا بَنَتَانِ، لا تَفْعَلَا)
ای دو پسر انجام ندهید ای دو دختر انجام ندهید



یا زَمِيلَاتِي، رَجَاءً، لا تَنْزِلْنَ؛ اِصْعَدْنَ.

ای همکلاسیهایم لطفا پایین نیایید، بالا بروید.

یا زَمِلَاتِي، رَجَاءً، لا تَنْزِلُوا؛ اِصْعَدُوا.

ای همکلاسیهایم لطفا پایین نیایید، بالا بروید.



یا زَمِيلَتَانِ، رَجَاءً، لا تَنْزِلَا؛ اِصْعَدَا.

ای دو همکلاسی لطفا پایین نیایید، بالا بروید

یا زَمِلَانِ، رَجَاءً، لا تَنْزِلَا؛ اِصْعَدَا.

ای دو همکلاسی لطفا پایین نیایید، بالا بروید

در این درس با فعل نهی آشنا می‌شوید.
به فرق میان فعل‌های مضارع و نهی توجه کنید و ترجمه آنها را یاد بگیرید.

شخص	فعل مضارع	فعل نهی
	تَفْعَلُونَ (جمع مذکر مخاطب)	لا تَفْعَلُوا
	تَفْعَلْنَ (جمع مؤنث مخاطب)	لا تَفْعَلْنَ
 	تَفْعَلَانِ (مثنی مذکر مخاطب) (مثنی مؤنث مخاطب)	لا تَفْعَلَا

هر وقت در ابتدای فعل مضارع **لا** بیاید و آخرش ساکن و یا **ن** حذف نشده باشد «**لا**» **نهی** است ولی اگر آخر فعل مضارع ساکن شده و یا **ن** حذف شده باشد «**لا**» **نهی** می باشد

فرق میان فعل مضارع منفی و فعل نهی را بیابید.

فعل نهی

مضارع منفی

- لا تَجْلِسْ: نمی‌نشین ← لا تَجْلِسْ: ننشین
لا تَذْهَبْ: نمی‌روید ← لا تَذْهَبْ: نروید
لا تَرْجِعْ: بر نمی‌گردد ← لا تَرْجِعْ: بر نگرد
لا تَتْرُكْ: رها نمی‌کنید ← لا تَتْرُكْ: رها نکنید^۱
لا تَنْزِلْ: پایین نمی‌آید ← لا تَنْزِلْ: پایین نیابید

ترجمه کنید.

لا تَرْقُدُوا تَحْتَ الشَّجَرِ فِي اللَّيْلِ.

يا أَخَوَاتِي، لا تَعْصَبْنَ عَلَى أَحَدٍ.

يا وَلَدَانِ، لا تَضْحَكَا بِصَوْتٍ مُرْتَفِعٍ

در شب زیر درخت نخوابید.

ای خواهرانم، به کسی عصبانی نشوید.

ای دو پسر (دو فرزند)، با صدای بلند نخندید.

۱- تشخیص معنای فعل‌هایی مانند لا تَفْعَلْنَ فقط در جمله امکان دارد؛ مثال:

(رَجَاءٌ: لا تَفْعَلْنَ: لطفاً انجام ندهید.) / (لماذا لا تَفْعَلْنَ شَيْئاً: چرا کاری انجام نمی‌دهید؟)

الْتَّمَارِين

١. الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ:

توضیحات زیر مربوط به کدام واژه جدید از درس است؟

..... صوم (روزه)

..... نَشِيط (فعال)

..... مُزْدَحِم (شلوغ)

..... راسِب (مردود)

..... حَفْلَة (جشن)

١. الَامْتِنَاعُ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ لِفَرِيضَةٍ دِينِيَّةٍ. شخصی که کار را دوست دارد و زیاد تلاش میکند
٢. اَلشَّخْصُ الَّذِي يُحِبُّ الْعَمَلَ وَ يُحَاوِلُ كَثِيرًا. صفتی برای مکان پر از اشخاص و اشیاء
٣. صَفَةٌ لِلْمَكَانِ الْمَمْلُوءِ بِالْأَشْخَاصِ وَ الْأَشْيَاءِ. دانش آموزی که در امتحانات موفق نمی شود
٤. اَلطَّالِبُ الَّذِي لَا يَنْجَحُ فِي الْاِمْتِحَانَاتِ. گروهی جمعی از مردم برای شادی بزرگ
٥. اِجْتِمَاعٌ جَمَعَ مِنَ النَّاسِ لِفَرَحٍ عَظِيمٍ.

٢. الْتَّمَرِينُ الثَّانِي:

جمله های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



لَا تَشْرَبِي مِنْ هَذَا الْمَاءِ.

از این آب ننوش



لَا تَذْهَبِ مِنْ هُنَا.

از اینجا نرو



لَا تَجْلِسْنَ هُنَاكَ؛ اجْلِسْنَ هُنَا.

آنجا ننشینید ، اینجا بنشینید



لَا تَكْشِفُوا عُيُوبَ أَصْدِقَائِكُمْ.

عیب های دوستان را آشکار نکنید

۳ التَّمَرُّنُ الثَّلَاثُ:

آیات زیر را ترجمه، سپس فعل های ماضی، مضارع، امر و نهی را معلوم کنید.
فعل امر
 ۱. اِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ؛ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ ﷻ اِنْتَظَارُ الْفَرَجِ.

الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

منتظر گشایش باشید و از نعمت خدا ناامید نشوید ، زیرا محبوب ترین کارها نزد خداوند انتظار برای گشایش است

۲. هَلْ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿الأعراف: ۴۷﴾ **نهی**

پروردگارا ما را با قوم ستم کار قرار مده. **Arabi_eyvazi**

۳. قَالَ اللَّهُ لَادَمَ وَ حَوَاءَ : هَلْ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ ﴿الأعراف: ۱۹﴾ **ماضی نهی**

خداوند به آدم و حوا فرمود: به این درخت نزدیک نشوید.

۴. هَلْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿یس: ۶۰﴾ **نهی**

شیطان را عبادت نکنید قطعاً او برای شما دشمنی آشکار است.

۵. هَلْ وَاصِرٌ عَلَى مَا يَقُولُونَ ... ﴿المزمل: ۱۰﴾ **مضارع امر**

و بر آنچه میگویند صبر کن.

۶. هَلْ وَاشْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ ... ﴿التحل: ۱۱۴﴾ **امر**

نعمت خداوند را شکر کنید.

گَنْزُ الْحِكْمَةِ



بخوانید و ترجمه کنید^۱.

۱. لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ
وَكَثْرَةِ الْحَجِّ
... وَلَكِنْ انْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَادَاءِ
الْأَمَانَةِ.

به زیادی نمازشان و روزه شان و زیادی حج نگاه نکنید.

بلکه به راستگویی و امانت داری نگاه کنید.

۲. عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ؛ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرُّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ^۲.

شما باید صبر کنید. زیرا صبر در ایمان همچون سر در بدن است.

۳. انْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ.

به آن چه که گفت نگاه کن و به کسی که گفت نگاه نکن.

۴. لَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَلَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ.

هیچ فقری مانند جهل (نادانی) نیست و هیچ میراثی همچون ادب نیست.

۵. مَنْ دَفَعَ مَاضِي غَضَبَهُ، دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ عَذَابَهُ.

کسی که خشمش را دفع کرد (کند)، خداوند عذابش را از او دفع کرد (می کند).

آیه، حدیث، شعر یا سخنی زیبا بیابید که با پیام اخلاقی متن درس هماهنگ باشد.

خرمندترین مردم کسی است که بینای عیب خود باشد و کور عیب دیگران امام علی (ع)





لا تَلْعَبْنَ: بازی نکنید



لا تَلْعَبُوا: بازی نکنید



لا تَلْعَبَا: بازی نکنید



لا تَلْعَبَا: بازی نکنید



لا تَكْتُبْنَ: ننویسید



لا تَكْتُبُوا: ننویسید



لا تَكْتُبَا : **ننویسید**



لا تَكْتُبَا : **ننویسید**



لا تَجْلِسْنَ : **ننشینید**



لا تَجْلِسُوا : **ننشینید**



لا تَجْلِسَا : **ننشینید**



لا تَجْلِسَا : **ننشینید**